

امکان سنجی حذف برخی از عناوین مجرمانه از قانون مبارزه با مواد مخدر با نگاهی تطبیقی (برخی از کشورهای اروپایی)

امید میلان لویی*

تاریخ پذیرش: ۹۴/۶/۷

تاریخ دریافت: ۹۴/۳/۲۶

چکیده

مواد مخدر، یکی از چالش‌های مهم جوامع در عصر حاضر است که همچنان بر دامنه‌ی آن افزوده می‌شود. همچنین تولید مواد مخدر صنعتی و آزمایشگاهی، بحران‌های نوظهوری را برای جوامع و دولت‌ها به وجود آورده است. یکی از راهکارهای مهار این بحران در سیاست کیفری کشورها، توسل به جرم‌انگاری و مبارزه‌ی کیفری با این پدیده است. با بررسی سابقه‌ی تقنینی در کشور ما نیز می‌توان مشاهده نمود که از همین شیوه استفاده شده و در مقاطع مختلف تاریخ، قوانین متعددی تصویب و اجرا گردیده است. بعد از پیروزی انقلاب اسلامی و با تصویب قانون مبارزه با مواد مخدر جدید، سیاست کیفری ایران بر پایه‌ی تشدید مجازات جرایم مربوط به مواد مخدر استوار گردید و همه‌ی موضوعات و جهات آن، جرم‌انگاری شد. مقنن در این قانون با استفاده از منطق ریاضی یا ارسطویی، ضمن جرم‌انگاری مصرف مواد مخدر، با لحاظ میزان مواد مخدر، اقدام به تعیین مجازات نمود و همه‌ی انواع مواد مخدر را مورد توجه قرار داد و مجازات‌های شلاق، حبس و اعدام را به وفور در آن جای داد. این درحالی است که با تأمل و مطالعه در سیاست تقنینی کشورهای موفق در امر مهار جرایم مواد مخدر به ویژه کشورهای اروپایی، درمی‌یابیم که این‌گونه نبوده‌اند و در برخی از این کشورها همه‌ی انواع مواد مخدر مورد حکم مقنن قرار نگرفته‌اند. شلاق و اعدام از زرادخانه‌ی کیفری آنها حذف شده و حمل و نگهداری مقدار کم مواد مخدر برای مصرف شخصی، جرم‌انگاری نشده است. فروش و تحویل مواد مخدر در داروخانه‌ها برای مصارف دارویی، مجاز اعلام شده است و...؛ لذا می‌توان با مطالعه‌ی تطبیقی سیاست کیفری کشورهای موفق در مهار بحران مواد مخدر و استفاده از تجربیات آنها، در سیاست تقنینی کشورمان در امر برخورد با جرایم مربوط به مواد مخدر تجدیدنظر نمود.

واژگان کلیدی: مواد مخدر، جرم‌زدایی، سیاست کیفری.

* دانشجوی دکتری حقوق کیفری و جرم‌شناسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد قم و رئیس دادگستری قاینات.
erfan871387@gmail.com

مقدمه

سیاست جنایی کشورها پس از سال‌ها تجربه و آزمون‌های متعدد و متفاوت در مقابله، مبارزه، برخورد و نگاه به مقوله‌ی مواد مخدر و اتخاذ تدابیر لازم اعم از تدابیر کیفری و غیر کیفری، به نتایج و جایگاهی رسیده است که هر کدام در نوع خود قابل توجه است. در این مسیر، برخی از کشورها با اقداماتی که اتخاذ نموده‌اند موفقیت‌هایی را به دست آورده‌اند که با مطالعه و شناخت آنها می‌توان در اصلاح یا تقویت سیاست کیفری جاری از آنها یاری جست.

امروزه با توجه به پیشرفت‌های همه‌جانبه‌ی بشریت، مواد مخدر به معضلی جهانی تبدیل شده است و تقریباً همه‌ی کشورها به اشکال مختلف با این مسأله درگیر هستند. برخی از کشورها تولیدکننده‌ی مواد مخدر و برخی مجاور کشورهای تولیدکننده و برخی از کشورها لایه‌ی سوّم هجمه‌ی جریان و ترانزیت مواد مخدر هستند. از سوی دیگر، کشورها با توجه به درجه‌ی توسعه‌یافتگی یا در حال توسعه و یا فقیر بودن، در باب شیوه‌های مبارزه و مقابله با مواد مخدر و موفقیت در این امر و نوع سیاست کیفری و سایر جنبه‌های این موضوع، قابل مطالعه و تقسیم‌بندی هستند.

کشور ما از نظر موقعیت جغرافیایی در مجاورت کشور افغانستان قرار دارد که خود بزرگ‌ترین تولیدکننده‌ی مواد مخدر در جهان می‌باشد و از چند دهه‌ی قبل تاکنون سیاست‌های کیفری متعددی در مورد شیوه‌ی برخورد با آن را تجربه نموده است اما با وجود آن، هنوز قانون اصلاح قانون مبارزه با مواد مخدر که بیان‌کننده‌ی نوع نگاه حاکمیت به مقوله‌ی مواد مخدر است با توجه به تجربیات گذشته‌ی ما، تجربیات و موفقیت‌های سایر کشورها و نیز شرایط کنونی کشورمان، نیازمند بازنگری در قانون قبلی با تغییر رویکرد در ابعاد از سیاست کیفری است.

در این مقاله سعی بر آن داریم تا با نگاه به قوانین سایر کشورها، از جمله کشورهای پیشرفته‌ی جهان (مانند کشورهای اروپایی) و استفاده از تجربیات آنها به این سؤال پاسخ دهیم که آیا می‌توان برخی از عناوین مجرمانه‌ی مندرج در قانون اصلاح قانون مبارزه با مواد مخدر را حذف نمود و در جهت جرم‌زدایی از آنها گام برداشت؟ بحث دیگری که در کنار این موضوع قابل طرح می‌باشد موضوع تعدیل مجازات برخی از جرایم این قانون است؛ مجازات‌هایی مانند شلاق‌های تعزیری که گاهی اوقات از حدود و ثغور شرعی و

فقهی آنها خارج می‌شوند و از طرفی فاقد کارایی لازم و از جانب دیگر با مباحث حقوق بشر غربی ناسازگار هستند. مهم‌ترین بحث در این باب مجازات اعدام و شلاق تعزیری است که هم‌اکنون به عنوان چالشی برای کشورمان در ابعاد متعدد آن مطرح می‌باشد؛ لذا در این مجال کوتاه، به مطالب قبلی خواهیم پرداخت با این نگاه که بتوانیم با تکرار این مباحث، بر سیاست کیفری مقنن تأثیر گذاشته و در مقابله با جرایم مرتبط با مواد مخدر در جامعه، به صورتی کارآمد از آنها یاری بگیریم.

گفتار اول: سیر تقنین جرایم مربوط به مواد مخدر در ایران

اولین قانون در باب مواد مخدر در ایران در سال ۱۲۸۹ شمسی با نام «قانون تجدید تریاک» توسط مجلس شورای ملی به تصویب رسید. در این قانون هیچ‌گونه محدودیتی برای کشت خشخاش و تولید تریاک پیش‌بینی نگردیده و برای هر مثقال تریاک، ۳۰۰ دینار مالیات تعیین شده بود و از سال ۱۲۸۹ تا ۱۳۵۷ حدود ۵۲ قانون و تصویب‌نامه و آیین‌نامه در کارنامه‌ی تقنین دیده می‌شود.

«قانون منع واردات مواد مخدر» در سال ۱۳۰۱ با شروع قاچاق کوکائین و مرفین و در سال ۱۳۰۷ «قانون انحصار دولتی تریاک و کشت خشخاش» تحت نظارت دولت قرار گرفت و مؤسسه‌ای به نام مؤسسه‌ی انحصار دولتی تأسیس شد. در سال ۱۳۱۲ «قانون مجازات مرتکبین قاچاق مواد مخدر» به تصویب رسید و در سال ۱۳۱۷ تصویب‌نامه‌ی منع کشت خشخاش در ۳۲ منطقه از ایران به اجرا درآمد. بر اثر فشارهای بین‌المللی و واکنش‌های داخلی، دولت ایران رسماً در سال ۱۳۲۴ لایحه‌ی الحاق بدون قید و شرط ایران به قرارداد بین‌المللی تریاک را به مجلس برد و با تصویب آن، تصویب‌نامه‌ی منع کشت خشخاش و مبارزه با قاچاق و درمان معتادان را به امضا رسانید. اما در سال ۱۳۲۶ این قانون ملغی گردید و کشت خشخاش قانونی و مجاز اعلام شد. دوباره در سال ۱۳۳۱ «قانون منع تهیه و خرید و فروش مواد مخدر و مشروبات» به تصویب رسید و در ماده‌ی ۱۳ آیین‌نامه‌ی آن، سازمان مبارزه با تریاک پیش‌بینی گردید. با تصویب این قانون، به مدت ۱۳ سال فعالیت گسترده‌ای علیه تولید، قاچاق و سوء مصرف مواد مخدر در ایران انجام گرفت اما در سال ۱۳۴۷ «قانون اجازه‌ی کشت خشخاش و صدور تریاک» به تصویب مجلس رسید. در سال ۱۳۵۷ با پیروزی انقلاب اسلامی، قانون و مقررات و ساختار

سازمان مبارزه با مواد مخدر مورد بازنگری قرار گرفت. در تاریخ ۱۳۵۹/۳/۱۹ «قانون تشدید مجازات مرتکبین جرایم مواد مخدر و اقدامات تامینی، درمانی و اشتغال معتادان» به تصویب شورای انقلاب اسلامی رسید و عملاً فروش تریاک به معتادان توسط دولت و کشت خشخاش ممنوع و مصرف مواد مخدر جرم تلقی گردید. در سال ۱۳۶۵ مسؤولیت مبارزه با مواد مخدر به کمیته‌ی انقلاب اسلامی واگذار شد تا اینکه در سال ۱۳۶۷ مجمع تشخیص مصلحت نظام «قانون مبارزه با مواد مخدر» را تصویب نمود و ستاد مبارزه با مواد مخدر را تشکیل داد و این قانون در مورخه ۱۳۸۹/۵/۹ اصلاح شد.

گفتار دوم: رویکرد سیاست‌گذاری کلان در مبارزه با مواد مخدر و روان‌گردان‌ها

در دوران نیم قرن قبل از پیروزی انقلاب اسلامی، کشت و تولید مواد، با فراز و نشیب‌های فراوان و به دور از یک سیاست جامع و قاطع دنبال شده و سایر جهات مقابله‌ای نیز همین وضع را داشته است. بعد از پیروزی انقلاب اسلامی، سیاست‌ها تا اندازه‌ای اصولی‌تر و جهت‌دارتر بوده است لکن به نظر می‌رسد (خصوصاً در ده سال گذشته) نسبت به مبنای اصلی مبارزه، از حیث شدت و ضعف مجازات‌ها و نحوه‌ی برخورد با قاچاقچیان مواد، بین دستگاه‌های درگیر در سیاست‌گذاری، تقنین و اجرا، وحدت‌نظر قاطع وجود نداشته است. در سال‌های اخیر، همگرایی نگرش‌های مختلف در این زمینه شکل گرفت و برای آینده، رویکردهای اساسی زیر مطرح گردید:

الف) رویکرد رهاسازی کنترل و مبارزه

عده‌ای با طرح این ادعا که شدت عمل در برخورد با قاچاقچیان و اعمال مجازات‌های سنگین مانند اعدام، ثمربخش نبوده است و ادامه‌ی آن نیز نتیجه‌بخش نمی‌باشد؛ لذا پیشنهاد می‌کنند که باید مواد مخدر و روان‌گردان به کلی آزاد شده و مانند سیگار یا کالای قاچاق و حتی راحت‌تر با آن برخورد شود.

ب) رویکرد آزادسازی یک یا دو ماده‌ی کم‌خطر و کنترل سایر مواد مخدر

عده‌ای دیگر اعتقاد دارند که چون در هر حال نمی‌توان جامعه و قشر جوان تنوع‌طلب را بدون استفاده از هرگونه مواد مخدر و روان‌گردان رها کرد لذا مانند کشوری چون هلند به

جای مواد پر خطر، یک یا دو ماده‌ی کم خطر مثل حشیش را با مجازات اندک و کنترل شده از طرف حکومت در اختیار متقاضیان قرار داد و در عوض با این جایگزینی، محور اصلی مبارزه را بر کنترل سایر مواد خطرناک‌تر متمرکز نمود.

ج) رویکرد جامع مبارزه و پیشگیری

اندیشه‌ی غالب که مبتنی بر مقابله و مبارزه‌ی جامع، قاطع و فراگیر با تمامی عوامل قاچاق، تولید، توزیع و مصرف مواد مخدر باشد ضمن توجه به عوامل پیشگیرانه از قبیل بالا بردن فرهنگ اجتماعی جامعه و برخورد ریشه‌ای با عوامل اعتیاد از جمله فقر مادی و فرهنگی، افزایش امکانات رفاهی و تفریحی و ... به مبارزه‌ی قاطع، اعمال دقیق کیفرهای قانونی و اجرای سریع آنها تأکید دارد.^۱

گفتار سوّم: پاسخ‌های معمول در سیاست جنایی ناظر به مواد مخدر در کشور ما و در کشورهای دیگر

در کشور ما مانند سایر نظام‌ها و سیستم‌های قضائی در جوامع بشری، برای اینکه بتوانند بر معضل مواد مخدر فایق آیند برای پاسخ‌دهی به جرایم مربوط به مواد مخدر، پاسخ‌هایی تدارک دیده‌اند که این پاسخ‌ها و ضمانت اجراها را می‌توان به شرح زیر بیان نمود:

الف) رویکرد و پاسخ کیفری: مانند مجازات‌هایی که در «قانون اصلاح قانون مبارزه با مواد مخدر» پس از جرم‌انگاری جرایم مربوط به مواد مخدر، بدان‌ها پرداخته شده است.

ب) پاسخ‌های اداری: ماده‌ی ۱۴ قانون استخدام کشوری که یکی از شرایط استخدام را عدم اعتیاد فرد اعلام نموده است.

پ) پاسخ‌های حقوق مدنی: مثلاً در حقوق مدنی ایران از جمله شروطی که به زوجه حق طلاق می‌دهد مطابق بند ۷ قسمت (ب) شرایط مندرج در سند نکاحیه، اعتیاد مضر زوج می‌باشد.

۱- ذبحی، حسین؛ شرح و بررسی قانون اصلاح قانون مبارزه با مواد مخدر و الحاقات بعدی آن، جلد اول، چاپ اول، تهران، نشر مرکز مطبوعات و انتشارات قوه قضائیه، ۱۳۹۲، صص ۲۹-۳۱.

- ت) پاسخ انضباطی یا انتظامی: در بند (ج) ماده‌ی ۵ «قانون نحوه‌ی اصلاح کانون‌های و کلا»، یکی از تخلفات انتظامی را اعتیاد به مواد مخدر دانسته است.
- ث) حقوق بانکی: در کشورهای صنعتی، جلوگیری از جابه‌جایی پول کثیف، یکی از اقدامات مهم در پیشگیری از قاچاق مواد مخدر است. در کشور ما نیز با مقررری بند ۱۱ تصویب‌نامه‌ی سال ۱۳۸۷ هیأت وزیران، بدین موضوع پرداخته شده است.
- ج) حقوق اساسی: از جمله شروط نامزدی در انتخابات، عدم اعتیاد به مواد مخدر می‌باشد.
- ح) اقدامات پیشگیرانه.^۱

گفتار چهارم: جرم‌انگاری، جرم‌زدایی و کیفرزدایی

یکی از مقوله‌های حقوق جزا، جرم‌انگاری یا فرایندی است که به موجب آن اعمال مجرمانه باید با استانداردهای خاص و مشخص و طی یک گزینش مطلوب و پذیرفتنی تعیین شود.^۲ جرم‌انگاری را به تعبیری می‌توان نوعی محروم‌سازی اجتماعی دانست. به لحاظ تاریخی، ریمون گسن آغاز جریان جرم‌انگاری را از میانه‌های سده‌ی نوزدهم میلادی می‌داند که از دهه‌ی ۱۹۳۰ همراه با شتاب بیشتری بوده است. به نظر وی توسعه‌ی این جریان مولود چند عامل است:

اول) ضرورت ارضای نوین کیفری ناشی از توسعه‌ی تکنولوژیک و مقتضیات اقتصادی و اجتماعی به مانند انفورماتیک و

دوم) ظهور پدیده‌های غیرانسانی نوظهور نظیر نژادپرستی و توسعه‌ی تکنوبوروکراتیک دولت؛ مثل شهرسازی و مقررات ناظر بر آن و ...^۳

در مقام ارائه‌ی تعریفی از جرم‌انگاری می‌توان گفت: «جرم‌انگاری فرایندی است حقوقی و گزینشی که طی آن، قانون‌گذار یک کشور، رفتاری را با توجه به مبنایی خاص مثل حفظ ارزش‌های اجتماعی، نظم عمومی یا مبنای اخلاقی - مذهبی و ... جرم تلقی

۱- مجموعه مقالات (سخنرانی‌های داخلی) همایش بین‌المللی علمی - کاربردی جنبه‌های مختلف سیاست جنایی در قبال مواد مخدر، جلد اول، چاپ اول، تهران، روزنامه رسمی، ۱۳۷۹، صص ۱۵-۲۶.

2- Tadros, Victor, Criminalization and Regulation, University of War Work School of Law, Legal Studies Research Paper, no2009-08, p.2.

۳- شمعی، محمد؛ درآمدی بر جرم‌انگاری و جرم‌زدایی، چاپ اول، تهران، انتشارات جنگل، ۱۳۹۲، صص ۵۳-۵۴.

کرده و برای آن ضمانت اجرای کیفری تعیین می‌کند. در این فرایند، باورها و رفتارها به وسیله‌ی جرم و کیفر، از طریق قانون‌گذاری یا آرای قضایی، تغییر شکل می‌یابند.^۱ در هر حال با عنایت به مراتب قبلی و عبور از تعریف جرم‌انگاری، لازم است بدانیم که بر جرم‌انگاری، اصلی حاکم است و ایجاد محرومیت اجتماعی باید به شیوه‌ای کارآمد صورت گیرد. از جمله اصول حاکم بر آن، اصل ضرورت جرم‌انگاری، اصل جرم‌انگاری حداقلی، اصل رعایت حقوق بشر، اصل همگونی با انتظارات عمومی و اصل مصلحت و ... می‌باشند و در مجازات‌گزینی نیز می‌توان بر اصولی چون اصل تناسب مجازات با عمل و اصل بازدارندگی و ... اشاره نمود.

از ویژگی‌های جرم‌انگاری، پویایی و کارایی آن است. در مقابل جرم‌انگاری و از شیوه‌های مهار و تعدیل آن، مقوله‌ی جرم‌زدایی یا کیفرزدایی می‌باشد. اگر بنا بر این باشد که کارخانه‌ی تقنین فقط تولیدکننده‌ی مقررات جزایی و ایجادکننده و زرادخانه‌ی جرایم و مجازات‌ها باشد به طور قطع اهداف حقوق جزا و از سوی دیگر، سیاست کیفری، رو به قهقرا خواهد رفت؛ لذا همان‌گونه که جرم‌انگاری، مبانی، لوازم، اصول و اهدافی دارد جرم‌زدایی نیز همگام با آن لازم است دیده شود.

مسأله‌ی جرم‌زدایی از آغاز دهه‌ی ۱۹۶۰ بحث روز شده است. از نظر بکاریا، تعداد جرایم باید کم باشد. وی با تهیه‌ی سیاهه‌ای از جرایم، آن دسته را که مبنای سودرسانی و اخلاق‌مداری ندارد حذف می‌کند. برای نمونه: او جرم‌زدایی از جنایات علیه حاکمیت الهی، زنا، نوزادکشی و خودکشی را به صراحت مطرح کرده است.^۲

از جرم‌زدایی تعاریف متعددی ارائه گردیده است. از جمله اینکه: «جرم‌زدایی عبارت است از عقب‌نشینی حقوق کیفری از رهگذر زایل کردن کامل وصف مجرمانه از جرم یا بیرون بردن رفتار از قلمروی قانون جزا و باقی گذاشتن آن در گستره‌ی اقتدار عمومی که مستلزم اعمال کنترل‌های غیرکیفری است».^۳

1- Michalowski, R., J. order, law and crime: An introduction to criminology, New York, Random House, 1985, p. 68.

۲- رایجیان اصلی، مهرداد؛ تبیین استراتژی عقب‌نشینی یا تجدید دامنه‌ی مداخله‌ی حقوق جزا و جایگاه آن در ایران، نشریه‌ی حقوق قضایی دادگستری، شماره ۴۱، زمستان ۱۳۸۱، ص ۹۳.

۳- محمودی جانکی، فیروز؛ جرم‌زدایی به منزله‌ی یک تغییر، نشریه‌ی دانشکده‌ی حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، دوره ۳۸، شماره ۱، بهار ۱۳۸۷، ص ۳۲۱.

پروسه‌ی جرم‌زدایی به دو شکل رسمی و عملی (غیررسمی) در سیاست کیفری تجلی پیدا می‌کند؛ یعنی گاهی تعقیب عمل و رفتاری به وسیله‌ی مراجع دولتی، غیرقانونی اعلام می‌گردد و مقنن با وضع قانون جدید، از اعمال و رفتارهای خاص مجرمانه سلب عنوان مجرمانه می‌کند. ولی گاهی جرم‌زدایی با یک رویه‌ی ساده‌ی عملی محقق می‌گردد که خود می‌تواند مولود تغییر نگرش و تحول دیدگاه‌های حکام یا مردم یا با توافق هر دو و یا با اثرگذاری نظر هر یک بر دیگری باشد.^۱

جرم‌زدایی را از نگاه وسعت آثار آن می‌توان به جرم‌زدایی کامل و جرم‌زدایی ناقص طبقه‌بندی نمود. در جرم‌زدایی کامل، از عفو عمومی یاد می‌شود. عفو عمومی دارای آثار زیادی است و تأثیر این آثار بیشتر بر جرایم موضوع قانون مربوطه است. ولی مثال بارز جرم‌زدایی ناقص، عفو خصوصی است. عفو خصوصی ناظر بر مجازات‌ها است.^۲

هر دو نوع جرم‌زدایی در کشور ما پیش‌بینی شده است. عفو عمومی مختص نهاد تقنین بوده و متکی بر اصل قانونی بودن جرایم و مجازات‌ها می‌باشد؛ یعنی همان‌گونه که مقنن، جرایم و مجازات‌ها را مقرر می‌دارد حق حذف آنها را نیز خواهد داشت و این نهاد پس از انقلاب اسلامی تاکنون یک مرتبه مورد استفاده‌ی مقنن قرار گرفته است.

کیفرزدایی در نظام حقوقی ایران فقط مختص به عفو رهبری نیست. استفاده از سازوکارهای دیگر مانند جایگزین‌های حبس، نهاد توبه، گذشت بزه‌دیده، تخفیف و تبدیل مجازات، تعلیق تعقیب و مجازات، آزادی مشروط، قرار بایگانی شدن پرونده و ... نیز که از مصادیق آن است مورد پذیرش قرار گرفته است. در قوانین خاص نیز به کیفرزدایی اشاره شده است. برای مثال: بند ۱ ماده‌ی ۳ قانون وصول برخی از درآمدهای دولت و مصرف آن در موارد معین مصوب ۱۳۷۳ که محاکم را مکلف به تبدیل مجازات حبس به جزای نقدی در موارد خاص نموده است.^۳

۱- میری دلماس، مارتی؛ نظام‌های بزرگ سیاست جنایی، ترجمه‌ی علی‌حسین ابرندآبادی، جلد دوم، چاپ اول، تهران، میزان، ۱۳۸۷، ص ۸۴.

۲- بند ۱۱ اصل ۱۱۰ قانون اساسی: عفو یا تخفیف مجازات محکومین در حدود موازین اسلامی پس از پیشنهاد رئیس قوه قضائیه با رهبری است.

۳- شمس ناتری، محمدابراهیم؛ جاهد، محمدعلی؛ عوامل و نتایج تورم کیفری و راهکارهای مقابله با آن، نشریه‌ی فقه و حقوق، سال پنجم، شماره ۱۷، ۱۳۸۷، ص ۱۱۳.

الف) موافقان جرم‌انگاری در حوزه‌ی جرایم مربوط به مواد مخدر

با توجه به پیدایش مواد مخدر صنعتی و شناخت آسیب‌ها و زیان‌های ناشی از آن و نیز آسیب‌های سوء مصرف مواد مخدر سنتی، برخی از اندیشمندان بر این باورند که باید برای جلوگیری از آسیب‌ها و برای مقابله و مبارزه با پدیده‌ی مواد مخدر، جرم‌انگاری صورت گیرد. دلایل عمده‌ای که این افراد مطرح می‌نمایند عبارتند از:

- ۱) شیوع سوء مصرف.
 - ۲) قبح اخلاقی به عدم کارایی قانون.
 - ۳) افزایش فساد.^۱
- از دیدگاه مرجع عمل، می‌توان کیفرزدایی را به سه نوع تقنینی، قضایی و اجرایی تقسیم نمود. برای کیفرزدایی تقنینی راه‌هایی به شرح زیر وجود دارد:
- ۱) تبدیل وصف مجرمانه به درجه‌ای سبک‌تر.
 - ۲) تقسیم جرایم به بخشودنی و نابخشودنی و در نظر گرفتن سهم برای طرفین دعوا در فرایند رسیدگی.
 - ۳) پیش‌بینی سازوکارهایی مثل تبدیل و تخفیف و معافیت.
 - ۴) استفاده از سازوکار عفو عمومی.
- در کیفرزدایی قضایی، قضات با استفاده از نهادهایی چون تعلیق تعقیب و اجرای مجازات، آزادی مشروط و ...، با رویکرد اقتضای تعقیب و سپس فردی کردن مجازات‌ها، نقش اساسی دارند.
- در کیفرزدایی اجرایی، پلیس می‌تواند با استفاده از روش‌هایی مثل هشدار و با کمک ابزارهای پیشگیری وضعی، از شروع فرایند کیفری جلوگیری نماید.^۲

۱- مرتضوی، سعید؛ قاچاق مواد مخدر و روان‌گردان - سیاست جنایی ایران و فرانسه با اشاره به اسناد بین‌المللی،

چاپ اول، تهران، مجد، ۱۳۸۸، صص ۱۲۵-۱۲۷.

۲- رایجیان اصلی، مهرداد؛ تبیین استراتژی عقب‌نشینی یا تجدید دامنه‌ی مداخله‌ی حقوق جزا و جایگاه آن در ایران، صص ۱۰۱-۱۰۳.

ب) موافقان جرم‌زدایی از جرایم مربوط به مواد مخدر

در مقابل گروه قبلی، افرادی بر این اعتقاد هستند که مزایای جرم‌زدایی از جرایم مربوط به مواد مخدر، بیشتر از جرم‌انگاری آن می‌باشد و دلایلی را در جهت اثبات ادعای خود مطرح می‌نمایند که به شرح زیر اعلام می‌گردد:

- ۱) شکست سیاست‌های کیفری در کنترل مواد مخدر.
- ۲) پایین آمدن قیمت مواد مخدر.
- ۳) صرفه‌جویی برای خزانه.
- ۴) تأثیر بر جرایم مربوط به مواد مخدر.
- ۵) منافع پزشکی.
- ۶) غیرمعقول بودن ممنوعیت.
- ۷) از بین رفتن جرم سازمان‌یافته.
- ۸) تراکم جمعیت کیفری.

با این وصف، با نگاه به نظام‌های قضایی کشورهای دیگر می‌توان گفت که نظر غالب کشورهای جهان بر نظریه‌ی جرم‌انگاری است^۱ اما تفاوت‌هایی را در عناوین جزایی، نوع مواد مخدر غیرقانونی، امکان تجویز مصرف مواد مخدر با نسخه‌ی پزشکی، میزان مواد مخدری که غیرقانونی اعلام شده است، مصرف مواد مخدر و اعتیاد به آن، ترانزیت مواد مخدر و میزان و نوع مجازات‌های قابل اعمال و ... لحاظ نموده‌اند که در این نوشتار به برخی از آنها خواهیم پرداخت.

گفتار پنجم: جرایم قابل حذف از قانون مبارزه با مواد مخدر(قابل جرم‌زدایی)

با عنایت به مباحث و مقدمات قبلی، حال به دنبال این بحث خواهیم بود که کدام یک از جرایم مندرج در قانون اصلاح قانون مبارزه با مواد مخدر ایران قابلیت حذف و جرم‌زدایی دارند. در این مجال، نگاهی تطبیقی به قوانین کشورهای دیگر در حوزه‌ی قاره‌ی اروپا

۱- مرتضوی، سعید؛ قاچاق مواد مخدر و روان‌گردان - سیاست جنایی ایران و فرانسه با اشاره به اسناد بین‌المللی، صص ۱۲۵-۱۲۷.

خواهیم داشت تا نشان دهیم از آنجا که قبل از ما کشورهای دیگر جرم‌زدایی نموده‌اند ما با حذف این جرایم، با معضل و آسیب بزرگی مواجه نخواهیم بود بلکه خود این اقدام موجب آثار مفید و مؤثری خواهد بود؛ لذا در این بخش ما چند عنوان مجرمانه را بررسی خواهیم کرد و در ادامه‌ی بحث، مجازات‌هایی را که امکان تعدیل یا حذف آنها ممکن است مورد نقد و بررسی قرار خواهیم داد.

الف) استعمال مواد مخدر

در آغاز، لازم است بگوییم که منظور از جرم‌زدایی نسبت به استعمال مواد مخدر، مواد مخدر ساده یا سنتی می‌باشد. همان‌گونه که می‌دانیم، در کشور ما استعمال هرگونه مواد مخدر با ضمانت اجرای کیفری رو به رو است و در ماده‌ی ۱۹ قانون مبارزه با مواد مخدر،^۱ استعمال مواد مخدر برای افراد غیر معتاد، جرم‌انگاری شده است و برای استعمال مواد مخدر موضوع ماده‌ی ۴ قانون قبلی، ۲۰ تا ۷۴ ضربه شلاق تعزیری و یک میلیون تا پنج میلیون ریال جزای نقدی و برای استعمال مواد مخدر موضوع ماده‌ی ۸، ۵۰ تا ۷۴ ضربه شلاق و دو تا ده میلیون ریال جزای نقدی پیش‌بینی شده است. حال موضوع بحث این است که آیا جرم‌انگاری استعمال مواد مخدر با این شدت و حدت لازم و ضروری است یا خیر؟ آیا سیاست کیفری تقنینی، قضایی و اجرایی ما در این مدت بس طولانی، در جرم‌انگاری این عمل موفق بوده است؟ آیا صرف جرم‌انگاری این وصف، باعث کاهش جرایم و کاهش استعمال مواد مخدر در کشور شده است یا خیر؟ آیا بدون جرم‌انگاری و یا جرم‌زدایی از این عمل، وضعیت مصرف مواد مخدر در کشور افزایش پیدا خواهد کرد یا خیر؟ آیا باید با استعمال همه‌ی انواع مواد مخدر برخورد کیفری گردد؟

در ابتدا ضرورت دارد که نگاهی به نظام‌های تقنینی کشورهای اروپایی در این باب داشته باشیم و بدانیم این‌گونه کشورها که در باب جرایم مواد مخدر موفق‌تر عمل نموده‌اند

۱- ماده‌ی ۱۹: «افراد غیرمعتادی که مواد مخدر استعمال نمایند، بر حسب نوع مواد به شرح ذیل مجازات می‌شوند:

(۱) استعمال مواد مذکور در ماده‌ی ۴، به بیست تا هفتاد و چهار ضربه شلاق و یک میلیون تا پنج میلیون ریال جزای نقدی.

(۲) استعمال مواد مذکور در ماده‌ی ۸، به پنجاه تا هفتاد و چهار ضربه شلاق و دو تا ده میلیون ریال جزای نقدی.»

آیا صرفاً نگاه کیفری به بحث استعمال مواد مخدر داشته‌اند یا خیر؟ در این خصوص باید گفت که در بسیاری از کشورهای اروپایی (از جمله آلمان، اتریش، دانمارک، فنلاند، یونان، ایرلند، ایتالیا، هلند و انگلستان)، جز برای تریاک، مصرف مواد مخدر جرم محسوب نمی‌شود؛ لذا اساساً حقوق جزا، مجال دخالت نیافته است. در برخی از قانون‌گذاری‌ها مانند اسپانیا، صرفاً ضمانت اجراهای اداری در این زمینه پیش‌بینی شده است. نهایتاً سایر ممالک اروپایی استفاده از مواد مخدر را جرم انگاشته‌اند. مثلاً در بلژیک استفاده‌ی جمعی مواد مخدر، مورد جرم‌انگاری قرار گرفته و در فرانسه نظام «حکم به درمان» اعمال می‌شود و هرچند برای اعتیاد (استعمال مواد مخدر)، یک سال حبس پیش‌بینی شده است اما دادستان با استفاده از نظام «متناسب بودن تعقیب» می‌تواند از فرد معتاد بخواهد که اعتیاد خود را ترک نماید.

سابقه‌ی مصرف مواد مخدر در اکثر کشورها به گذشته‌های دور برمی‌گردد. زمینه‌ی مصرف مواد مخدر در بین مردم جامعه‌ی ما متنوع است. هنوز برخی از مناطق کشور ما برای اکثر بیماری‌ها، به صورت سنتی و با نگاهی درمانی و دارویی به مواد مخدر از جمله تریاک و شیرهی تریاک، از آنها استفاده می‌کنند و اصلاً در وهله‌ی اول، ذهنیت مراجعه‌ی به پزشک و مرکز درمانی برای درمان بیماری ایجاد نمی‌شود. این فرهنگ استفاده از مواد مخدر هنوز هم در بیشتر نواحی کشور حاکم است. استفاده از مواد مخدر برای سایر موضوعات نیز رواج دارد. حال بحث ما این است که آیا جرم‌انگاری استعمال مواد مخدر با این شدت، لازمه‌ی سیاست کیفری امروزی ما است؟

با نگاهی به وضعیت کشورهایی که برشمردیم می‌توان گفت در این کشورها که شاید زمینه‌ی استفاده از مواد مخدر برای درمان وجود ندارد و از سوی دیگر مردم دسترسی کامل به درمان و مراجع درمانی پیشرفته در آن کشورها دارند استعمال مواد مخدر را جرم‌انگاری نکرده‌اند و به دنبال اقدامات پیش‌گیرانه در این موضوع هستند و تکیه بر تدابیر پیش‌گیرانه، یکی از اصول مقابله با این عمل می‌باشد؛ لذا باید گفت ما نیز می‌توانیم با تغییر در سیاست کیفری تقنینی و با تکیه بر اقدامات پیش‌گیرانه در امر دسترسی به مواد مخدر و با توجه به زمینه‌های اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، جغرافیایی و بومی، نسبت به تغییر رویکرد در این زمینه اقدام نماییم؛ «همان‌گونه که ایتالیا در سال ۱۹۹۰م در مورد مصرف‌کنندگان مواد مخدر، صرفاً مجازات و ضمانت اجرای اداری مانند تعلیق گواهینامه

یا الزام به اعلام به مراکز بازپرسی را پیش‌بینی نمود و این امر در قبال سیاست ضربه‌زدن به سازمان‌های مجرمانه‌ی قاچاق مواد مخدر بود و طی آن با از دست دادن یکی از منابع درآمدی و نیز به لحاظ عدم امکان تعقیب همه‌ی مصرف‌کنندگان مواد مخدر و با این هدف که قانونی‌شدن مصرف مواد مخدر موجب می‌شود افراد در این مسیر کمتر جرایم دیگر مرتبط را مرتکب شوند؛^۱ همان‌گونه که جریان فکری، سیاسی و علمی در فرانسه در سال‌های اخیر در جهت کیفرزدایی از مصرف مواد مخدر به پا خاسته است. این جریان به دو جریان دیگر تقسیم می‌شود. یکی، جریان جرم‌زدایی از مصرف کانابی است که مصرف‌کنندگان این ماده در فرانسه بین یک تا پنج میلیون نفر تخمین زده می‌شود و جریان دوم، طرفدار و مدافع جرم‌زدایی از مواد مخدر ساده است و قایل به رهاسازی مصرف این‌گونه مواد مخدر است و این نیازمند تغییر در قانون‌گذاری این کشور است.^۲

نکته‌ای که لازم است بیان گردد این است که در برخی از کشورها مثل ترکیه و روسیه (ماده ۱ قانون مواد مخدر روسیه)، مصرف مواد مخدر با تجویز پزشک، مجاز اعلام شده است و به همین ترتیب، داروخانه‌ها نیز جهت عرضه‌ی مواد مخدر، با ارائه‌ی نسخه‌ی پزشک و بدون امکان تغییر در نوع مواد مخدر تحویل شده به داروخانه، مجاز می‌باشند اما این مشکل در کشور ما هنوز وجود دارد که برخی از پزشکان، مصرف مواد مخدر را برای بیمار خود لازم و مفید می‌دانند و به طور شفاهی بدان ارشاد می‌نمایند و از سوی دیگر مقنن در قانون بدان توجه نکرده است و دستگاه قضایی نیز بدون توجه به آن، برخورد کیفری می‌کند و این مورد را دفاع مؤثر محسوب نمی‌کنند و قضات، شخص را محکوم به کیفر می‌نمایند. به نظر می‌رسد در این خصوص لازم است در قانون، تجدیدنظر صورت گیرد و به صورت علمی و عملی بدان پرداخته شود؛ البته محاکم، در عمل گاهی با استفاده از تأسیساتی چون تعلیق تعقیب و ... اقدام به کیفرزدایی عملی می‌نمایند که این اقدام کافی نیست و لازم است این بحث در قانون دیده شود.

با توجه به مباحث قبلی، ما برآنیم که با استفاده از تجربیات سایر کشورها بگوییم که

۱- مجموعه مقالات (سخنرانی‌های داخلی)، همایش بین‌المللی علمی - کاربردی جنبه‌های مختلف سیاست جنایی در قبال مواد مخدر، جلد دوم، ص ۲۳۵.

۲- همان؛ صص ۲۸۶-۲۸۷.

چگونه می‌توان از استعمال مواد مخدر ساده (مثل تریاک) و با به کارگیری شیوه‌های مقرون به صرفه و صلاح، همان‌گونه که در مقطعی از زمان در ایران جریان داشت مانند ملاک قراردادن سن افراد، وضعیت جسمی، مناطق خاص و ... جرم زدایی نمود. از اهداف این اقدام می‌توان به جلوگیری از روی آوردن افراد به مصرف مواد مخدر پرخطر و صنعتی، مداخله در عرضه و تقاضای جریان مواد مخدر، ضربه زدن به نظام اقتصادی باندهای مواد مخدر، کاهش جمعیت کیفری، کاهش رغبت افراد با از بین رفتن محرومیت و محدودیت (چون هر ممنوعیتی باعث رغبت بیشتر افراد به آن می‌شود)، کاهش آسیب‌های جرم‌انگاری صورت گرفته و ... اشاره نمود.

ب) حمل، نگهداری، خرید و مخفی کردن (داشتن) متعارف مواد مخدر برای مصرف شخصی

یکی از چالش‌های عرصه مبارزه با مواد مخدر و به دیگر بیان، یکی از موضوعات دست و پا گیر این مبارزه که منجر به اتلاف وقت و انرژی مستقیم دستگاه انتظامی و قضایی کشور می‌شود کشف مواد مخدر جزئی و ناچیز از افرادی است که چون استعمال‌کننده و یا معتاد به مواد مخدرند برای مصرف شخصی خود اقدام به خرید، حمل، نگهداری و یا مخفی کردن این‌گونه مواد می‌نمایند و با این وصف، پرونده‌های بی‌شماری را وارد چرخه‌ی دادرسی محاکم می‌کنند و با توجه به میزان مجازات مقدار کم مواد مخدر که گاهی حتی میزان جزای نقدی آن کمتر از ارزش ریالی کاغذی است که پرونده را تشکیل داده است این امر ضمن اتلاف وقت و هزینه، باعث وهن مجازات و لوث شدن وظیفه‌ی ذاتی نهادهای انتظامی و قضایی می‌شود؛ در حالی که بررسی‌های منطقی نشان می‌دهد که هر مصرف‌کننده‌ی مواد مخدری به هر طریق ممکن مواد مخدر مصرف خود را تهیه می‌نماید و هیچ شبکه‌ای برای دسترسی بدون ارتکاب جرایم موصوف در کشور، طراحی یا مجرا نشده است.

در اختیار داشتن مواد مخدر برای استعمال شخصی، در بسیاری از قانون‌گذاری‌ها جرم انگاشته شده است؛ گاه به عنوان یک جرم خاص مثل: آلمان، اتریش، یونان، ایرلند، لوکزامبورگ، پرتغال، انگلستان و سوئد و گاه با شبیه ساختن آن به قاچاق مواد مخدر مثل: بلژیک و دانمارک. اما در برخی از کشورهای دیگر از جمله هلند، امر تعقیب الزامی نیست بلکه مأمور پیگرد، بر مبنای نوع و میزان ماده‌ی مخدر، اقدام به اخذ تصمیم می‌نماید؛ حتی

گاهی ممکن است تعقیب انجام نگیرد.^۱

در رویه‌ی عملی مراجع قضایی کشورمان باید گفت با توجه به دشواری‌های تعقیب نسبت به مواد مخدر جرئی و کم، برخی از دادسراها با صدور دستورات شفاهی به ضابطین و یا با صدور قرار تعلیق تعقیب، بدون حضور متهم حتی در دادسرا، بدون توجه به قانون‌گذاری و جرم‌انگاری صورت‌گرفته، خود را با وضعیت منطقی هماهنگ نموده‌اند؛ تا جایی که اداره‌ی حقوقی قوه‌ی قضائیه به عنوان نظریه‌ی مشورتی، با این رویه‌ی عملی هماهنگ شده است و خرید و نگهداری مواد مخدر با مقدار کم مورد استفاده شخصی را جرم مستقلی تلقی نکرده است^۲ و با این اعلام، با رویه‌ی عملی برخی از مراجع قضایی همگام شده است. در این باب می‌توان گفت که مقنن هم می‌تواند با همگام شدن با رویه‌ی منطقی برخی از مراجع قضایی، با جرم‌زدایی از خرید، حمل، نگهداری و مخفی کردن مقدار کم و متعارف از مواد مخدر برای استفاده‌ی شخصی، از تشکیل انبوهی از پرونده‌ها که دارای تبعات فراوانی در ابعاد مختلف برای اجتماع، نظام حاکمیت، اقتصاد و ... می‌باشند جلوگیری کند. اما طبیعی است که برای جلوگیری از سوء استفاده‌ی افراد، مقنن می‌تواند سازوکارهایی را تعریف و سازماندهی نماید تا جامعه در معرض آسیب‌های دیگری قرار نگیرد و با جداسازی عناوین مذکور از عنوان قاچاق مواد مخدر، با نگاهی سازمانی و جدید وارد عرصه‌ی جدیدی از سیاست کیفری کارا گردد. البته مدّت‌ها قبل در کشورمان (قبل از انقلاب) رژیم حاکم، با دسته‌بندی مصرف‌کنندگان مواد مخدر، به افراد کهنسال، کارت دریافت مواد مخدر (معروف به کارت تریاک) جهت مصرف شخصی اعطا نموده بود و با پذیرش این واقعیت که تریاک با داشتن جایگاه درمانی در میان مردم با وجود حذف نظام سلامت و همه‌گیر نبودن و عدم امکان دسترسی آسان به نظام درمانی، با تحویل دادن مواد مخدر جزئی مصرف افراد کهنسال، از این امر جرم‌زدایی نمود. هرچند این طرح مخالفینی هم شاید داشته باشد اما در راستای جرم‌زدایی در این قالب باید طرح‌هایی کم آسیب پیشنهاد و به اجرا درآید.

۱- همان؛ صص ۷ و ۸.

۲- نظریه اداره حقوقی به شماره ۷/۴۶۹-۱۳۷۰/۱/۲۷. ا.ج.ق: خرید ماده‌ی مورد اعتیاد، در حد متعارف برای معتاد استعمال که جرم مستقلی نمی‌باشد. نظریه شماره ۵- ۷/۶۳۷۲-۱۳۷۴/۹/۲۷. ا.ج.ق: خرید یا نگهداری مواد مخدر به مقدار کم جهت استعمال، جرم مستقلی محسوب نمی‌شود.

یکی دیگر از موضوعاتی که می‌توان به آن اشاره کرد و قبلاً نیز بدان اشاره شد، به رسمیت شناختن تجویز مواد مخدر با خاصیت دارویی مثل تریاک، برای برخی از بیماری‌ها توسط پزشکان و داروسازان و در پی آن مجاز دانستن حمل، نگهداری و ... (داشتن) مواد مخدر دریافتی است. نباید از واقعیت‌های اجتماعی دوری جست؛ چراکه هنوز افراد زیادی در مواجهه با تعقیب و در مراجع قضایی در دفاع از اتهام استعمال مواد مخدر و حمل جزئی تریاک یا شیرهی تریاک (که نگارنده، در جریان امور قضایی بسیار با آنها مواجه بوده است) بیان می‌دارند که به خاطر بیماری خاص خود یا کهنسالی، پزشک معالج به صورت شفاهی مصرف این‌گونه مواد مخدر را جهت بهبود ایشان تجویز نموده است و حال اگر پزشک به صورت کتبی تجویز نماید مراجع قضایی این تجویز را دفاع تلقی نمی‌کنند و بدون توجه به آن، اقدام به تعقیب، رسیدگی و مجازات فرد می‌نمایند. جالب اینکه در کشور ترکیه این امر به رسمیت شناخته شده است و پزشکان و داروسازان می‌توانند مواد مخدر را تجویز نمایند که در ماده‌ی ۱ قانون مواد مخدر روسیه بدان پرداخته شده است و بند ۱۲ ماده‌ی ۴۰۳ قانون جزای ترکیه به عنوان ضمانت اجرای این سیاست بیان داشته است: «هرکس از طریق نسخه‌ی دروغین اقدام به تهیه‌ی مواد مخدر نماید به مجازات حبس از یک تا سه سال و جریمه از یک تا پنج میلیون لیره محکوم می‌شود».^۱ در نتیجه باید گفت می‌توان از جرایم پیش‌بینی شده در قانون اصلاح قانون مبارزه با مواد مخدر ایران، برای داشتن مواد مخدر جزئی و برای مصرف شخصی و به صورت متعارف، با ایجاد ساختار مناسب، جرم‌زدایی نمود.

همان‌گونه که در کشور آلمان، محاکم از اعمال مجازات برای داشتن مواد مخدر نظیر حشیش در مقادیر اندک و برای مصرف شخصی منع شده‌اند^۲ در کشور سوریه نیز به موجب مواد ۱۵ تا ۲۷ قانون مواد مخدر مصوب ۱۹۹۳ م، پزشکان، دندانپزشکان و دامپزشکان تحت شرایطی می‌توانند مواد مخدر تجویز نمایند و داروخانه‌ها نیز با نسخه‌ی صادره از سوی آنها می‌توانند مواد مخدر درخواستی را در اختیار افراد قرار دهند.^۳

۱- مجموعه مقالات (سخنرانی‌های داخلی)، همایش بین‌المللی علمی - کاربردی جنبه‌های مختلف سیاست جنایی

در قبال مواد مخدر، ص ۹۶.

۲- همان؛ ص ۱۲۳.

۳- همان؛ ص ۱۳۸.

پ) تغییر نگرش تقنینی و قضایی در رابطه با احراز میزان تقصیر متهم با میزان مواد مخدر

یکی از آسیب‌های پیش روی اجرای قانون مبارزه با مواد مخدر و امر مبارزه با این پدیده در ایران، نگرش مقنن و به دنبال آن، دیدگاه قضات و تلقی آنها نسبت به احراز میزان تقصیر مرتکبین جرایم مواد مخدر با میزان مواد مخدر مکشوفه از آنها می‌باشد. با این توضیح که میزان مواد مخدر موضوع جرم، میزان تقصیر مرتکبین جرم را تحت تأثیر قرار می‌دهد و هرچه مقدار مواد مخدر بیشتر باشد تقصیر و میزان مسؤلیت افراد دخیل در جرم ارتكابی پر رنگ‌تر دیده می‌شود؛ به طوری که در جریان حمل یک محموله‌ی مواد مخدر عمده که افرادی با عناوین مجرمانه‌ای چون حمل یا نگهداری و غیره دستگیر می‌شوند؛ میزان و مقدار مواد مخدر مکشوفه تعیین کننده و هدایت‌گر ذهنیت مقام قضایی در نحوی برخورد، انتخاب نوع تأمین کیفری و میزان مجازات می‌باشد. این در حالی است که در تمامی موارد و پرونده‌ها این گونه نیست که بتوان رابطه‌ی مستقیمی بین میزان مواد مخدر و میزان دخالت و تقصیر و در نهایت میزان مسؤلیت متهم برقرار نمود.

اولین بازیگر و نقش آفرین در ایجاد این ذهنیت برای قضات در مقام رسیدگی به پرونده‌های مواد مخدر، مقنن می‌باشد؛ چون با تکیه‌ی مقنن در قانون‌گذاری، در مورد مواد مخدر، به تناسب ریاضی در تعیین مجازات‌ها و تأکید بر این موضوع در قانون اصلاح قانون مبارزه با مواد مخدر، ایجاد این گرایش بین قضات امری طبیعی خواهد بود و لازمه‌ی اصلاح نگرش قضات که این نگرش، موجب آسیب جدی در گزینش مجازات توسط قضات محاکم برای متهمین مواد مخدر شده و خواهد شد اصلاح نگرش مقنن است تا در مورد تناسب عددی و ریاضی مجازات‌انگاری در مورد مواد مخدر تعدیل نماید و یا از این دیدگاه عدول نماید. در پی این تغییر، اصلاح نگرش قضات امری آسان خواهد بود.

ت) جرم‌زدایی و تعدیل تناسب ریاضی (محض) در جرایم مواد مخدر

همان‌طور که از مواد ۵ و ۸ «قانون اصلاح قانون مبارزه با مواد مخدر» به روشنی پیدا است مقنن با تأکید فراوان بر تناسب عددی و ریاضی محض، میزان مواد مخدر را با مقدار مجازات محاسبه نموده و عامل دیگری را در تعیین مجازات ملحوظ نداشته است. این

سیاست مقنن در نگاه نخست، هرچند در مقابل سایر شیوه‌های قانون نویسی در باب مواد مخدر، کم ایراد جلوه می‌کند لکن در عمل، محاکم با معضلات فراوانی روبه‌رو هستند. تحلیل، مدل‌سازی امور و نیز ارزش‌گذاری مفاهیم، در علوم مختلف به وسیله‌ی روش‌های متعددی ممکن می‌گردد. درخصوص شیوه‌های ارزش‌گذاری می‌توان به دو روش اشاره نمود: (۱) روش منطق ریاضی یا ارسطویی که مفاهیم را فقط دارای دو بُعد مانند خوب و بد و سیاه و سفید و ... می‌داند.

(۲) منطق فازی که هر مسأله را با نگرش چند بعدی تحلیل می‌نماید.

مقنن در نگارش قانون مبارزه با مواد مخدر و نیز جرم‌انگاری در این قانون و از سوی دیگر در ایجاد رابطه بین اهمیت جرم با میزان مجازات، از منطق ریاضی و ارسطویی استفاده نموده است. در بیان ایراد بر این منطق و شیوه‌ی ارزش‌گذاری همین بس که بگوییم زمانی که ۳۰ گرم هروئین دارای مجازات حبس است و اگر ۳۱ گرم باشد فرد مجرم باید محکوم به مجازات اعدام شود یک گرم آن چه تغییر و تأثیری را به دنبال خواهد داشت؟! جدای از این بحث، منطق ریاضی دارای ایراداتی است که دانشمندان را به سوی طراحی روش‌های دیگر ارزش‌گذاری و به ویژه روش و منطق فازی سوق داده است. همان‌گونه که اشاره شد منطق ریاضی دارای ایراداتی اساسی است لکن تا دست یافتن به شیوه‌ای مناسب‌تر برای متناسب‌سازی جرم و مجازات و نیز میزان مجازات و مقادیر مواد مخدر، با اصلاح مواد ۵ و ۸ قانون اصلاح قانون مواد مخدر ایران می‌توان اقدامات مؤثری را صورت داد.

ث) الغا یا تعدیل برخی از مجازات‌های جرایم مواد مخدر

۱) ضبط آلت استعمال مواد مخدر

در ماده‌ی ۲۰ «قانون اصلاح قانون مبارزه با مواد مخدر» پیش‌بینی شده است که تولید، وارد کردن، خرید یا فروش، نگهداری، اخفا یا حمل آلات مخصوص استعمال جرم محسوب و علاوه بر ضبط این آلات، فرد به پرداخت جزای نقدی یا تحمل شلاق تعزیری محکوم می‌گردد.^۱

۱- ماده‌ی ۲۰: «هرکس آلات و ادوات مخصوص تولید یا استعمال مواد مخدر را وارد کند، بسازد و خرید یا فروش

آلات مخصوص استعمال مواد مخدر به وسایلی چون وافور، پایپ و ... گفته می‌شود که این آلات برای مصرف مواد مخدر مورد استفاده قرار می‌گیرد و مقنن در ماده‌ی فوق به ضبط این آلات اشاره نموده است. اما لازم است مقنن در این باب در نظریه‌ی خود تجدیدنظر نماید و ضبط آلات استعمال مواد مخدر را به معدوم نمودن آنها تغییر دهد؛ چون معلوم نیست این کالاهای ضبط شده در نهایت به چه مصرفی باید برسد. آیا باید به فروش برسد و عواید حاصل از آن به حساب دولت واریز شود یا پس از ضبط باید معدوم شوند. پس لازم است مقنن ایده‌ی صریح خود را بازگو نماید تا باعث تشتت آرا نگردد و همین امر باعث شده است که آلات استعمال بسیار زیادی غالباً در انبار پلیس مواد مخدر یا در انبار دادگستری‌ها سالیان متمادی جمع‌آوری گشته و بلا تکلیف باقی بماند که همین‌گونه است و از سوی دیگر بحث ضبط آلات استعمال مواد مخدر، در بین عامه‌ی مردم وجهه‌ی خوبی ندارد و از آن با عنوان یک تدبیر پیش‌گیرانه یاد نمی‌شود. این در حالی است که هدف مقنن، از دسترس خارج کردن این اموال است و در جامعه نیز این اموال دارای قابلیت بازفروشی و کاربرد مشروع دیگری نیستند که در چرخه‌ی استفاده قرار گیرند و عواید حاصل از آنها را به حساب دولت واریز نمود؛ لذا به نظر می‌رسد با حذف عنوان ضبط آلات استعمال مواد مخدر از این ماده، در این بحث، قانون شفاف و کارایی خواهیم داشت و جالب است بدانیم در قوانین کشورها به ویژه کشورهای اروپایی این بحث مشاهده نمی‌گردد.

۲) الغا یا تعدیل مجازات اعدام

با تصویب قانون مبارزه با مواد مخدر از سوی مجمع تشخیص مصلحت نظام، بحث‌های زیادی در کشور در مورد ماهیت مجازات اعدام‌های متعدد آن قانون، در جامعه‌ی علمی و حقوقی مطرح گردیده است. برخی معتقدند که مجازات اعدام در این قانون، ماهیت حدی دارد و برخی معتقدند که ماهیت تعزیری و حکومتی دارد.

کند، علاوه بر ضبط آنها، به یک میلیون تا پنج میلیون ریال جزای نقدی و ده تا پنجاه ضربه شلاق محکوم می‌شود. مرتکبین نگهداری، اخفا یا حمل آلات و ادوات استعمال مواد مخدر علاوه بر ضبط آنها، به ازای هر عدد، صد تا پانصد هزار ریال جزای نقدی یا پنج تا بیست ضربه شلاق محکوم می‌شوند. عتایق از شمول این ماده مستثنی می‌باشند».

در قانون قبلی، ده مورد مجازات اعدام پیش‌بینی شده بود و هنوز هم باید در مورد ماهیت این مجازات بحث نمود تا به نتیجه‌ای مطلوب دست یافت. معتقدین به اعدام، آن را از موارد افساد فی الارض می‌دانند و از شرایط افساد، افساد عملی و یا قصد افساد عملی است؛ یعنی یا باید اقدام فرد در امر قاچاق مواد مخدر به صورت عملی باعث فساد عمده شود و یا به قصد فساد و ابتلای عمده، اقدام به قاچاق نماید و تا پیش از تصویب قانون مبارزه با مواد مخدر در سال ۱۳۶۷ توسط مجمع تشخیص مصلحت نظام و با حاکمیت لایحه‌ی قانون تشدید مجازات مرتکبین مواد مخدر مصوب ۵۹/۳/۱۹ شورای انقلاب و پیش‌بینی اعدام‌های متعدد در آن، محاکم دچار تشقت آرا شدند و لذا از حضرت امام خمینی (ره) استفتا شد که ملاک و ماهیت مجازات اعدام در باب قاچاق تریاک چیست و ایشان فرمودند: ۱- تخلف از منع دولت نباید بشود ولی حکم وضعی ندارد. ۲- فساد در صورتی است که مواد مخدر پخش شود به طوری که موجب ابتلای بسیاری شود یا به قصد این عمل یا با علم به این اثر.^۱ با این نظر و با کمک سایر نظریات علما که قایل به تعزیری بودن مجازات بر مواد مخدر هستند می‌توان گفت که مقنن ما قایل به حدی بودن مجازات اعدام در مواد مخدر نبوده و به همین دلیل مجمع تشخیص مصلحت نظام در سال ۱۳۶۷ با پیش‌فرض قرار دادن افساد، اقدام به تعیین میزان مواد مخدر مورد حکم اعدام نمود بدون توجه به دو ملاک مطرح شده در باب افساد فی الارض و می‌توان گفت مجمع با این مصوبه، از نظریه‌ی حدّ افساد بودن مجازات‌های اعدام مندرج در قانون قبلی عدول کرد؛ البته شورای نگهبان نیز حاضر نشد این قانون را مورد تأیید قرار دهد و به همین جهت این قانون از باب مصلحت در مجمع تصویب شد. پس با این وصف می‌توان گفت مجازات اعدام در این باب جنبه‌ی تعزیری دارد.

مقنن در بسیاری از مواد قانون مواد مخدر، با لحاظ میزان مواد مخدر و با طرح متناسب‌سازی بین میزان مواد مخدر و میزان مجازات و با تکیه بر عدالت کیفری عددی و با لحاظ ضمنی اینکه میزان مواد مخدر نشان‌دهنده‌ی میزان تقصیر بزهکار است مجازات‌های سنگین و به ویژه مجازات اعدام را در نظر گرفته است و این سیاست

۱- ساکی، محمدرضا؛ مواد مخدر و روان‌گردان از نگاه علوم جنایی و حقوق بین‌الملل، چاپ اول، تهران، انتشارات جنگل، ۱۳۹۱، ص ۲۳۰.

سرکوب‌گرانه، بیش از سه دهه و به شدت و قاطعیت به اجرا گذاشته شده و احکام زیادی را به اجرا درآورده است اما آیا می‌توان گفت اجرای مجازات اعدام در مبارزه با مواد مخدر، به میزان آسیب‌ها و معایب این مجازات مؤثر و کارا بوده است؟ به تجربه باید گفت اصولاً در پرونده‌های مواد مخدر، افرادی دستگیر و به مجازات اعدام محکوم می‌شوند که عامل اصلی در قاچاق مواد مخدر نبوده‌اند و حتی گاهی اوقات از نوع مواد مخدر (که عامل اصلی محکومیت فرد به مجازات اعدام است) بی‌اطلاع بوده‌اند و مثلاً به تصور اینکه مواد مخدر جاسازی شده در اتومبیل ایشان تریاک است اقدام به حمل آن می‌کنند و پس از کشف آن متوجه می‌شوند که نوع آن مثلاً هروئین است و افرادی از این گروه وجود دارند که برای دریافت مبالغ ناچیز و به خاطر مشکلات شدید مالی و اقتصادی، برای شبکه‌ها و باندها و برای مالکین مواد مخدر، اقدام به حمل مواد مخدر می‌کنند و غالباً این افراد اعدام شده یا در معرض اعدام هستند.

پس از تجربه‌ی طولانی در اجرای مجازات اعدام در جرایم مواد مخدر، آیا می‌توان گفت که این مجازات بازدارنده بوده است و به هدف موردنظر در تقنین آن رسیده‌ایم یا خیر؟ قطعاً با توجه به وضعیت موجود می‌توان اذعان نمود که اینطور نبوده و بازدارندگی مجازات اعدام، تنها برای فرد اعدام شده بوده است و با وجود اینکه در سال‌های گذشته اجرای آن در سطح بین‌المللی برای کشور ما مشکلات زیادی را به دنبال داشته است آیا وضعیت مواد مخدر کشور ما خیلی بهتر از وضعیت کشورهای اروپایی است که مجازات اعدام را لغو نموده‌اند؟

به نظر می‌رسد در مورد مجازات اعدام، در قانون مواد مخدر باید در جهت حذف برخی از مواد و تعدیل در برخی دیگر از اعدام‌های پیش‌بینی شده در آن بازنگری شود؛ هرچند می‌توان از آخرین اراده‌ی مقنن در تصویب قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ و مخصوصاً ماده‌ی ۲۸۶ آن که برای بزه افساد فی‌الارض (که قاچاق مواد مخدر می‌تواند از مصادیق آن باشد) چهار وصف (به طور گسترده، شدید، عمده و در حد وسیع) پیش‌بینی نموده است استفاده کرد و با این رویکرد شاید بتوان در مورد مواد مخدر و اعمال مجازات اعدام، به اوصاف مذکور در ماده‌ی ۲۸۶ قانون قبلی استناد جست و با عدم احراز آن اوصاف، از مجازات اعدام (در مورد مخدرهایی با حجم کم مثلاً ۱۰۱ گرم هروئین) دوری جست. اما این تنها در حد یک نظریه و بدون پشتوانه‌ی عملی می‌باشد و در جهت رسیدن

به هدف موردنظر، لازم است تا مقنن بدین سو رهنمون گردد؛ همان‌گونه که در سیاست کیفری عملی و در باب عفو خاص، مجازات‌های اعدام در مورد مواد مخدر کمتر از ۵۰۰ گرم (در مورد مواد مخدری مانند هروئین که بیش از ۱۰۰ گرم آن مشمول مجازات اعدام است) اصولاً در صورت عدم سوابق کیفری مؤثر، مشمول عفو می‌شوند و مجازات آنها به حبس تبدیل می‌گردد.

با عنایت به اهمیت مجازات اعدام، در رویه‌ی عملی دادسراها و دادگاه‌های ایران نیز می‌توان عدم تناسب مجازات اعدام با نوع جرم یا عدم بازدارندگی آن و ... را در نحوه‌ی تفسیر قضاوت از قانون مواد مخدر مشاهده نمود. مثلاً برخی از قضاوت در تفسیر تبصره‌ی ماده‌ی ۸ قانون مواد مخدر این‌گونه نظر دارند که اگر میزان مواد مخدر متهم بیش از صد گرم باشد لکن یکی از جهات مندرج در تبصره‌ی ۱ ماده‌ی ۸ قانون قبلی احراز گردد می‌توان مجازات اعدام مندرج در بند ۶ ماده‌ی ۸ را به حبس تبدیل نمود.

۳) مجازات شلاق

در قانون مبارزه با مواد مخدر ایران، مجازات شلاق تقریباً در تمام جرایم پیش‌بینی شده‌ی آن آمده است و در ماهیت تعزیری آن نیز اختلافی نیست. از سوی دیگر علما بر این امر که میزان مجازات شلاق تعزیری باید کمتر از میزان مجازات شلاق حدّی باشد صحه گذاشته‌اند. حال با توجه به طرح بحث در این قانون، این موضوع دیده شده است؟ جالب این‌که گاهی اوقات در صورت تکرار جرایم موضوع ماده‌ی ۵ قانون قبلی، باید صدها ضربه شلاق بر فرد اجرا گردد.

حال سؤال این است که نباید در این موضوع بازنگری شود؟! در کنار این موضوع، بازدارندگی مجازات شلاق و مشکلات پیش روی کشور در سطح بین‌المللی در باب موضوعات حقوق بشر نیز در این‌گونه جرایم قابل بحث می‌باشد.

نتیجه

با مطالعه و تأمل در سیاست کیفری و تقنینی کشورهای اروپایی که توانسته‌اند در امر کنترل مواد مخدر و نیز مهار نسبی آن موفقیت‌هایی را داشته باشند این گونه برداشت می‌شود که یک سیاست تقنینی موفق، لازم نیست که همه‌ی انواع مواد مخدر را جرم‌انگاری نماید؛ بلکه می‌توان در مواردی با تغییر در سیاست تقنینی و رویکرد شیوه‌ی مبارزه و برخورد با پدیده‌ی مواد مخدر، جرم‌زدایی نمود. با توجه به اینکه برخی از انواع مواد مخدر مثل حشیش کم خطرند و یا مانند تریاک دارای مصارف دارویی می‌باشند و یا برای بیماران خاص و افراد کهنسال با تجویز پزشک می‌توانند جنبه‌ی دارویی داشته باشند، حمل و نگهداری مقدار کم مواد مخدر برای مصرف شخصی برای معتادان، که گریزی از آن نیست و رفع ممنوعیت آن باعث آسیب بر چرخه‌ی اقتصاد و تجارت باندهای مواد مخدر می‌شود و فواید دیگری نیز می‌تواند داشته باشد (هرچند دارای مضراتی نیز می‌باشد که باید مورد تحلیل و کارشناسی قرار گیرد) و از سوی دیگر با عنایت به خواص درمانی برخی از انواع مواد مخدر مانند تریاک که به صورت هنجاری در برخی از مناطق مورد استفاده قرار می‌گیرد می‌توان مانند برخی از کشورها مثل ترکیه با تجویز قانونی، اقدام به عرضه‌ی تحت ضابطه و نظارت آن در داروخانه‌ها نمود.

جهت دیگر این بحث، در متناسب‌سازی جرایم با مجازات‌ها و عدول از منطق صرف ریاضی و ارسطویی و نیز حذف یا تعدیل برخی از مجازات‌های قانون اصلاح قانون مواد مخدر ایران می‌باشد. همان‌گونه که بیان گردید، مقنن در این قانون به وفور از مجازات شلاق، حبس و اعدام استفاده نموده است در حالی که در کشورهای مورد بحث، این‌گونه نیست و مجازات بدنی شلاق و نیز مجازات اعدام را حذف نموده‌اند و مجازات حبس با عنوان ابد و بدون قید مدّت، در قوانین آنها دیده نمی‌شود. از سوی دیگر ضمن تأثیر کم این مجازات‌ها در قبال هزینه‌های مادی و معنوی آنها (چه داخلی و چه بین‌المللی) آن‌گونه که در جامعه مشهود است و با وجود به کارگیری فراوان این‌گونه مجازات‌ها، همچنان و به طور روزافزون کشور ما با بحران‌ها و آسیب‌های مواد مخدر مواجه است؛ لذا می‌توان به مقنن پیشنهاد کرد که با تغییر در نگاه و رویکرد کاربردی و مطالعه و توجه به دستاوردهای سایر کشورها نسبت به حذف برخی از مجازات‌ها و تعدیل در مجازات‌های بدنی اقدام نماید که امری ممکن و مؤثر است.

فهرست منابع

الف) منابع فارسی

- ۱- ذبحی، حسین؛ شرح و بررسی قانون اصلاح قانون مبارزه با مواد مخدر و الحاقات بعدی آن، جلد اول، چاپ اول، تهران، نشر مرکز مطبوعات و انتشارات قوه قضائیه، ۱۳۹۲.
- ۲- رایجیان اصلی، مهرداد؛ تبیین استراتژی عقب‌نشینی یا تجدید دامنه‌ی مداخله‌ی حقوق جزا و جایگاه آن در ایران، نشریه حقوق قضایی دادگستری، شماره‌ی ۴۱، زمستان ۱۳۸۱.
- ۳- زکریای راضی، محمدعلی؛ درآمدی بر قانون مبارزه با مواد مخدر و اعتیاد، چاپ اول، تهران، نشر جامعه و فرهنگ، ۱۳۹۰.
- ۴- ساکی، محمدرضا؛ مواد مخدر و روان‌گردان از نگاه علوم جنایی و حقوق بین‌الملل، چاپ اول، تهران، انتشارات جنگل، ۱۳۹۱.
- ۵- شمس ناتری، محمدابراهیم؛ جاهد، محمدعلی؛ عوامل و نتایج تورم کیفری و راهکارهای مقابله با آن، نشریه فقه و حقوق، سال پنجم، شماره‌ی ۱۷، ۱۳۸۷.
- ۶- شمعی، محمد؛ درآمدی بر جرم‌نگاری و جرم‌زدایی، چاپ اول، تهران، انتشارات جنگل، ۱۳۹۲.
- ۷- مجموعه مقالات (سخنرانی‌های داخلی)، همایش بین‌المللی علمی - کاربردی جنبه‌های مختلف سیاست جنایی در قبال مواد مخدر، جلد اول تا سوم، چاپ اول، تهران، روزنامه رسمی، ۱۳۷۹.
- ۸- محمودی جانکی، فیروز؛ جرم‌زدایی به منزله‌ی یک تغییر، نشریه‌ی دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، دوره‌ی ۳۸، شماره‌ی ۱، بهار ۱۳۸۷.
- ۹- مرتضوی، سعید؛ قاچاق مواد مخدر و روان‌گردان - سیاست جنایی ایران و فرانسه با اشاره به اسناد بین‌المللی، چاپ اول، تهران، مجد، ۱۳۸۸.
- ۱۰- میری دلماس، مارتی؛ نظام‌های بزرگ سیاست جنایی، ترجمه علی حسین ابرنآبادی، جلد دوم، چاپ اول، تهران، میزان، ۱۳۸۷.

ب) منابع خارجی

- 11- Tadros,victor,*criminalization and regulation,university of war work school of law*, legal studies ersarch paper, no2009-08.
- 12- Michalowski,R,J.*order,law and crime: An introduction to criminology*,new York,Random House,1985.

قضاوت

Feasibility exclude certain Criminal categories of drugs at the comparative law (some European countries)

Omid Milanluei*

Received: 16/6/2015 Accepted: 29/8/2015

Abstract:

The drug is one of the major challenges in contemporary societies, as well as the added range of industrial and laboratory drug production, emerging crises, societies and governments have been involved. One of the ways to contain the crisis in the criminal policy, resorting to crime and criminal struggle with this phenomenon. Reflecting on the legislative history of our country, the same method is used at various stages of history, many laws adopted and enforced. After the Islamic Revolution and the new anti-drug law, criminal policy of Iran to intensify crimes related to drugs, consider that all issues and aspects of it, is criminalized. Legislator in this law with or Aristotelian logic, with respect to the drug, to determine the penalty, to consider all sorts of drugs, drug abuse and crime and the punishment of flogging, imprisonment and death is frequently used. However, the reflection and study on legislative policy successful countries in curbing drug-related offenses, especially European countries, this is not in some of these countries, all kinds of drugs are not ruling legislator, flogging and execution of arsenal. Criminal remove them, carrying small amounts of drugs for consumption is not criminalized, sale and delivery of drugs in pharmacies for medicinal purposes allowed and more. So can look at successful countries in crisis and a comparative study on criminal policy on drugs and use their experience in our legislative policy in dealing with crimes related to drugs, the revision of.

Key words: drugs, decriminalization, criminal policy.

*Ph.d Student of Criminal Law and Criminology at Qom Islamic Azad University & Chief Justice Qaenat.